

به فرخندگی سه هزارمین سال زادروز زرتشت
که یونسکو آن را سال زرتشت اعلام کرده است

رَهِیافتی به
گاهانِ زرتشت و متن‌های نوآوستایی

اوستا. یسنا. گاهان (فارسی - اوستایی).

رَهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نووستایی / هانس رایشلت؛ گزارش و ترجمه جلیل دوستخواه. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
رَهیافتی به گاهان زرتشت و اوستای نو متن دین دبیره و آوانوشت لاتین
۷۳۸ ص.
ISBN 978-964-311-473-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

عنوان اصلی: *Avesta Reader Texts, Notes, Glossary and Index*.
«این کتاب همراه یادداشت‌ها و روشنگری‌ها و واژه‌نامه و گزارش فارسی
سرودها و متن‌ها با پی‌نوشت‌ها و بازبردها از مترجم است.
این کتاب ترجمه شده از متن انگلیسی کتاب هانس رایشلت می‌باشد.
واژه‌نامه.
نمایه.

۱. اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. زبان اوستایی - ترجمه شده به
فارس‌سی. ۳. اوستا - ترجمه‌ها. الف. رایشلت، هانس، ۱۸۷۷-۱۹۳۹ م.
Reichelt, Hans ب. دوستخواه، جلیل، ۱۳۱۲ - ، مترجم. ج. عنوان.
د. عنوان: متن دین دبیره و آوانوشت لاتین.
PIR ۴۷۳
۲۹۵/۸۲

هانس رایشلت

رهیافتی به

گاهانِ زرتشت و متن‌های نوآوستایی

متن دین‌دبیره و آوانوشتِ لاتین

همراه یادداشت‌ها و روشنگری‌ها و واژه‌نامه

گزارش

جلیل دوستخواه

این کتاب ترجمه‌ای است از:

AVESTA READER

Texts, Notes, Glossary and Index

By Hans Reichelt

Originally published in 1911 by:

Verlag Von Karl J. Trübner, Strassburg

Reprinted by Walter de Gruyter & Co. Berlin 1968



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

هانس رایشلت

رہیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نوآوستایی

گزارش جلیل دوستخواه

چاپ سوم

۵۵۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۲ - ۴۷۳ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 473 - 2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

در این دفتر می خوانید:

۷	یادداشتِ مترجم
۹	کوته‌نوشت‌ها و نشانه‌ها
۲۳	سرآغاز
۲۷	درآمد

یکم. متن‌های گاهانی و اوستایی (دین‌دبیره و آوانوشتِ لاتین)

۳۳	۱. یَسْتْ‌ها
۶۹	۲. وئِ دَنْوُ داتَه / وئِ دیوُ دات / وندیداد
۹۸	۳. ویسپَر تو / ویسپَر د
۱۰۰	۴. خُرَتْکَ اَپْستَا ک / خُرده‌اوستا
۱۰۳	۵. یَسْنَه
۱۰۸	۶. هَدْخْتْ نَسْک / هادُختْ نَسْک
۱۱۰	۷. نیرنگستان
۱۱۳	۸. گاهان
۱۲۱	۹. یَسْنَه هَپْتَنَگْ هائیتی / یَسْنَه هفْت‌ها

دوم. گزارشِ فارسیِ متن‌ها

۱. گاهان ۱۲۷
۲. یَسَنَه هَپَنگِ هائیتی / یَسَنَه هفت‌ها ۱۴۳
۳. یَسَنَه ۱۴۵
۴. یِشْت‌ها ۱۵۶
۵. ویسپَر تو / ویسپَر د ۲۲۹
۶. خُرْتکِ اَپِستا ک / خُرده‌اوستا ۲۳۵
۷. وی دَنَو دانه / وی دِو دات / وندیداد ۲۴۱
۸. هَدُختِ نَسک / هادُختِ نَسک ۲۷۹
۹. نیرنگستان ۲۸۳

سوم. یادداشت‌ها و روشنگری‌هایی در بارهٔ گاهان و متن‌ها

۱. گاهان ۲۸۹
۲. یَسَنَه هَپَنگِ هائیتی / یَسَنَه هفت‌ها / هَفْتَن یِشْت ۳۲۷
۳. یَسَنَه ۳۳۰
۴. یِشْت‌ها ۳۴۷
۵. ویسپِه رَتو / ویسپَر ت / ویسپِه رَد ۴۳۲
۶. خُرْتکِ اَپِستا ک / خُرده‌اوستا ۴۳۹
۷. وی دَنَو دانه / وی دِو دات / وندیداد ۴۴۶
۸. هَدُختِ نَسک / هادُختِ نَسک ۴۹۹
۹. نیرنگستان ۵۰۴

- واژه‌نامه ۵۱۳
کتاب‌شناخت ۷۱۵
نام‌نما (فهرستِ نام‌ها و کلیدواژه‌ها) ۷۲۳-۷۳۸

یادداشت مترجم

کار دشوار و ناهموارِ گاهان پژوهی و اوستاشناسیِ دانشگاهی و فرهیخته از سدهٔ شانزدهم میلادی با رویکردِ پاره‌ای از اروپاییان پژوهشگر به فرهنگِ باستانی و کیشِ کهنِ ایرانیان آغاز شد و به‌ویژه از سدهٔ هیجدهم بدین سو، با کوشش و کُنشِ دانشورانِ نَسْتَوِهٔ باختری و —به پیروی از آنان— شماری از پژوهندگانِ ایرانی (از سدهٔ بیستم بدین سو)، گسترش و ژرفایِ بیش‌تری یافت. از چگونگی و دامنهٔ این کارِ شگرفِ فرهنگی و علمی در جهان و ایران، پیش از این سخن گفته‌ام و در این جا نیازی به بازگفتِ نمی‌بینم (← اوستا، سرآغاز و پیش‌گفتار در ج. ۱، صص. یک-پنجاه و چهار و کتاب‌نامهٔ اوستا و مَزْدَیَسْنَا در ج. ۲، صص. ۱۱۲۱-۱۱۲۵).

هانس رایشلت دانشمندِ آلمانی، کتابِ کنونی را که مجموعهٔ آموزشی بسیار سزاواری است، در سالِ ۱۹۱۱ میلادی به زبان انگلیسی منتشر کرد. از او دو کتابِ علمی معتبرِ دیگر نیز در دست است که به یکی از آن‌ها (با کُوتَه‌نوشتِ AE) در دفترِ حاضر بازبُردهایِ فراوان داده شده است و در واقع می‌توان گفت که این کار، گزینه و ساده‌تر کردهٔ آن پژوهشِ ارجمند است.

ترتیبِ یادداشت‌ها و روشنگری‌هایِ پژوهنده در این گزارش، با آنچه او بر پایهٔ آسانی و دشواریِ متن‌ها در دیدگاه داشته است (↓ ص. ۲۳ در هم‌دف.)، یکسان نیست و گزارنده متن‌هایِ گاهانی را بر بُنیادِ کهن‌تر بودگیشان، پیش‌تر از گزیده‌هایِ اوستایِ نو جای داده است تا خواننده فرآیندِ دگردیسیِ اندیشگی و فرهنگی در این یادمان‌هایِ کهن را در پیش چشم داشته باشد. این جابه‌جایی، همانا با خواستِ مؤلفِ ناهمخوانی ندارد و خواننده می‌تواند متن‌ها و یادداشت‌هایِ آن‌ها را با همان پی‌آییِ آمده در بخشِ "دین‌دبیره و آوانوشت‌ها" بخواند.

بخشِ "دین‌دبیره و آوانوشت‌ها"، تصویری است بی‌هیچِ دیگرگونی از آنچه در متنِ انگلیسی کتاب آمده؛ اما بخشِ "گزارشِ فارسیِ متن‌ها" را که در اصلِ کتاب، هستایی به زبانِ انگلیسی ندارد، مترجم بر کتاب افزوده است تا خواننده بتواند با خواندن و بررسی‌دنِ آن در کنار و همراهِ پژوهش و جُستارِ ژرفِ مؤلف، تصویر روشن‌تری از ساختارِ فکری و فرهنگی و درون‌مایهٔ متن‌ها را نیز در چشم‌اندازِ خود ببیند.

بازبردها و یادداشت‌های افزوده خود و نیز یادآوری پاره‌ای از نارسایی‌ها و سهوها در اصل پژوهش را، با فروتنی و سیاست‌گذاری تمام نسبت به کوشش عظیم و بارآور پژوهنده، تنها برای روشنگری بیش‌تر بر پایه پژوهش‌های انجام‌یافته در یک سده پس از نشر این اثر بر گزارش کنونی افزوده‌ام و چه بسا که جای چون و چرا هم داشته باشد.

در بخش "واژه‌نامه"، به دلیل ستونی بودن صفحه‌بندی و نیز سرشت درهم‌آمیخته خط‌نگاری فارسی و لاتین، ناگزیر برخی از هنجارهای نگارشی دیگر بخش‌ها و نیز کاربرد همواره کوتاه‌نوشت‌ها برهم خورده است که شاید به چشم خواننده تیزبین، گونه‌ای نایکدستی بنماید. همچون در آوانویسی واژه‌های اوستایی و سنسکریت، گاه به سبب نارسایی نرم‌افزاری، نشانه‌هایی که باید در زیر حرف‌ها بیاید، ناگزیر در کنار و در سوی راست آن‌ها آمده‌است. از این زمره است: a و t در اوستایی و r ، n ، h و s در سنسکریت. کاربرد فراوان کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها نیز امری ضروری بوده است؛ چرا که در جز این صورت، حجم این گزارش بسی بیش‌تر از این می‌شد.

گزارشگر بسیار خشنود است که در آفتاب زردِ عمر خویش، این ترجمه را به همه دوستداران فرهنگ ایرانی پیشکش می‌کند و تا آن جا که به کار او بستگی دارد، خود را از نقد و نظر آگاهان و کارشناسان این راستا بی‌نیاز نمی‌بیند.

در پایان، وظیفه خود می‌دانم از دوست نویسنده و پژوهنده‌ام محمد کلباسی که متن انگلیسی این پژوهش را به امانت به من داد و نیز از همکار فرزانه دانشگاهی‌ام بانو دکتر ژاله آموزگار و دوست پژوهشگر و فرهیخته‌ام بانو دکتر امید بهبهانی که یاور و دل‌گرم‌کننده من بدین کار بودند، سپاس فراوان بگزارم.

جلیل دوستخواه

کانون پژوهش‌های ایران‌شناختی

تانزویل (کوینزلند) - استرالیا، نوروز ۱۳۸۲

کوتۀ نوشتها و نشانه‌ها

آثار: آثار الباقیه عن القرون الخالیه.

آثرو: آثرو ودا.

آر: آریایی (زبان باستان...).

آرزو: [وَجِه] آرزویی (desiderative).

آفر: آفرینگان (آفرین‌سرودهای سه‌گانه در خُرده‌اوستا).

آی: [اِزْمَان] آینده / مُسْتَقْبَل (future).

آی‌کا: آینده کامل (future perfect).

اخ: [وَجِه] اِخباری (indicative).

ادا: ادات / حرف / وند / حرفِ تعریف (particle).

اداباز: اداتِ بازداري / منع / نَهی (particle of prohibition).

اداپر: اداتِ پرسش (introductory particle).

اداتا: اداتِ تأکید (emphatic particle).

اداتف: اداتِ تفکیک (disjunctive particle).

اداتق: اداتِ تقویت (strengthening particle).

آ دار: مادّه‌ساز (thematic).

ادانف: اداتِ نَفی (particle of negation).

ارت: آرْتِ یَشْت / آشئِ یَشْت (یَشْتِ هفدهم).

ارد: آردای ویراژنامه / آردای ویرافنامه (مپ).

- ازی: [حالت] ازی / [حالت] مفعولٌ عنَه (ablative).
- ازی تط: ازی تطبیق (comparationis ablative).
- ازی جدا: ازی جداساز (ablativus separativus).
- اس: اسم (noun).
- اس جم: اسم جمع (collective).
- اسطوره: از اسطوره تا تاریخ (↓ کتاب شناخت، بهار).
- اس فا: اسم فاعل (agent noun/nomen agentis).
- اس فع: [حالت] اسمی فعل وارِه / فعلی (verbal substantive).
- اسمی: [وجه] اسمی (substantive).
- اسنا: اسنادی (attributive).
- اضا: [حالت] اضافه / [حالت] وابستگی (genitive).
- اضابا: [حالت] اضافه بایی (instrumental genitive).
- اضایخ: اضافه بخشی (partitive genitive).
- اضایبا: [حالت] اضافه بیانی (genitive of quality).
- اضاتخ: [حالت] اضافه تخصیصی (genitive of specification).
- اضامط: اضافه مطلق / قطعی (absolutive genitive).
- اضامف: [حالت] اضافه مفعولی / [حالت] وابستگی مفعولی (objective genitive).
- اضامل: [حالت] اضافه ملکی / وابستگی ملکی (genitive of possession).
- اضاوص: اضافه وصفی / اضافه ویژه بیان چگونگی (genitive of quality).
- اف: افزایشی (augmentative).
- ال: [حالت] التزامی / [حالت] شرطی (subjunctive).
- ام: امشاسپَند (مهیئ ایزد).
- امر: [وجه] امری (imperitive).
- امکا: [وجه] امکانی / شدنی (potential).
- انت: انتزاعی (abstract).
- انض: انضمامی (concrete).
- او: اوستایی (زبان...).
- اوپس: اوستایِ پسین / اوستایِ نو / اوستایِ جُزگانه‌ی.

اوستا: اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی (↓ کتاب‌شناخت).
اوگ: اوگمَدِیچا/Aogemadaêcâ (ما. - مپ.).

بار: بارتولومه (Christian Bartholomae).

باز: بازتابی (reflexive).

بایی: [حالت] بایی / [حالت] ایزاری (instrumental).

بایی‌جام: [حالت] بایی‌جامعگی / اجتماعی (sociative instrumental).

بایی‌سب: [حالت] بایی‌سببی / علی (causal/causative instrumental).

بایی‌عا: [حالت] بایی‌عامل / بایی‌کننده‌کار (instrumental of the agent).

بخ: بخش.

بدنگا: بدل‌نگاشت / نسخه‌بدل (variant).

برایی: [حالت] برای / مفعول با میانجی (به واسطه)، مفعول ناسرراست (dative).

برایی‌پا: برای پایانی (terminal dative).

برایی‌عا: برای‌عامل / برای‌کننده‌کار (dative of the agent).

برقا: برهان قاطع (فرهنگ).

بم: بعد از میلاد مسیح (= A.D.).

بن: بندهش (مپ). گزارش مهرداد بهار، ↓ کتاب‌شناخت، دادگی).

بنیاد: بنیادهای اسطوره و حماسه ایران (↓ کتاب‌شناخت، کویاجی).

بهرام: بهرام‌یشت (یشت چهاردهم).

بهمن: بهمَن‌یشت / وُهوَمَن‌یسن.

پ: پژوهنده (= ه رایشلت / H. Reichelt).

پا: پایانی (final).

پاز: پازند (گزارشی دوباره بر «زَند» یا گزارش اوستا).

پدرنا: پدرنام / پدرنامی / نام از دودمان پدری داشتن (patronymic).

پژ: پژوهشی در اساطیر ایران (↓ کتاب‌شناخت، بهار).

پسا: پسایند / حرف اضافه پسین (postpositin).

پ.م: پیش از میلاد مسیح (= B.C.).

ین: پی نوشت (بازبُرد یا روشنگری در پایینِ صفحه یا پایانِ گفتار).
 یور: پورداود (استاد ابراهیم...)
 پورخرده: پورداود، گزارشِ خُرده اوستا.
 پوریس: پورداود، گزارشِ یسنَه در ۲ جلد (↓ کتاب‌شناخت، یسنا).
 پوریش: پورداود، گزارشِ یشت‌ها در ۲ جلد (↓ کتاب‌شناخت، یشت‌ها).
 پی ب: پی بست / واژه‌بند / واژه‌بست (enclitic).
 پیشا: پیشایند / حرفِ اضافهٔ پیشین (prepositin).
 پیشانف: پیشایندِ نَفی (negative preposition).
 پیش‌فع: پیش‌وندِ فعلی (verbal prefix).
 پیش‌نف: پیش‌وندِ نَفی (negative prefix).
 پیشین: خاستگاهی که پیش‌تر (با فاصله‌ای) بدان بازبُرد داده شده است.

تاک: [وَجِه] تأکیدی / [وَجِه] گذشتهٔ استمراری (injunctive).

تاک‌عا: [وَجِه] تأکیدیِ عام (universal injunctive).

تط: تطبیق (comparationis / comparative).

تکر: [جنبه / نمود] تکریری (iterative).

توص: توصیفی (descriptive).

تیر: تیرِ یشت / تیشترِ یشت (یشتِ هشتم).

ج: جلد.

جا: نامِ جا (اسطوره‌گی یا تاریخی).

جُستار: جُستاری چند در فرهنگ ایران (↓ کتاب‌شناخت، بهار).

جم: جمع (plural).

جم‌پا: جملهٔ پایانی (final sentence).

جم‌پی: جملهٔ پی‌درپی (consecutive sentence).

جم‌حذ: جمعِ حذفی (elliptic plural).

جم‌زما: جملهٔ زمانی (temporal sentence).

جم سب: جمله سببی / عِلَّتِي / عِلِّي (causal sentence).

جم شر: جمله شرطی (conditional sentence).

جم مف: جمله مفعول (object sentence).

جم موص: جمله موصولی / جمله نسبی (relative sentence).

جوش: جوش خوردگی / درهم آمیختگی (sandhi).

چا: چاپ.

حا: حال / اکنون / [زمان] حال (present).

حرب: حرف ربط (conjunction).

حماسه: حماسه ایران، یادمانی از فراسوی هزاره‌ها (↓ کتاب شناخت، دوستخواه).

خا: شاهنامه فردوسی، ویراسته جلال خالقی مطلق (↓ کتاب شناخت).

خرده: خرده‌اوستا.

خوا: [وجه] خواهشی / [وجه] آتمنایی (optative).

داجم: داستانِ جم (↓ کتاب شناخت).

داد: دادستانِ دینی / دادستانِ دینیک (مپ).

دار: دارمستیر (جیمز).

درون: درون‌رو / درون‌شو (ingressive).

دری: [حالت] اندری / [حالت] جایگاهی (locative).

دری بخ: [حالت] دری بخشی (partitive locative).

دف: دفتر.

دو: دو شخص (ضمیر).

دوگا: دوگان / تنبیه / مُتْنَا (dual).

دوگاحذ: دوگانِ حذفی (elliptic dual).

دین: دین‌کرد / دین‌گرت (مپ).

دین‌ها: دین‌های ایران باستان (↓ کتاب شناخت، نیبرگ).

رام: رامِ یَشت (یَشتِ پانزدهم).
 رایبی: [حالتِ] رایبی / [حالتِ] مفعولی (accusative).
 رایبی یا: [حالتِ] رایبی پایانی (terminal accusative).
 رایبی هم‌خا: [حالتِ] رایبی هم‌خانواده / هم‌ریشه (cognate accusative).
 رشن: رشنِ یَشت (یَشتِ دوازدهم).
 رمز: رمزگان (= code).
 رو: ریگ‌ودا (Rigveda).

ز: زبان.
 زاد: گزیده‌هایِ زادسپَرَم (مپ)، گزارشِ م. ت. راشد محصّل، (↓ کتاب‌شناخت).
 زَم: زَمِ یَرتِ یَشت / زَمِ یَدا یَشت / کیانِ یَشت (یَشتِ نوزدهم).
 زند: زَنَدِ اوستا (↓ کتاب‌شناخت، دارمستتر).

س: سطر.
 سا: [وَجِه] ساده / [وَجِه] بسیط / (simple).
 سب: سببی (causative).
 سنج: بسنجید با... / قیاس کنید با...
 سنج: سنجشی (deliberative).
 سنس: سَنسکریت (زبان...).
 سه: سوم شخص (ضمیر).
 سی: سی روزه (بخشی از خُرده‌اوستا).

شر: شرطی (conditional).
 شما: شمارین، شماره، عدد (numeral).

ص: صفحه.
 ص بر: صفتِ برتر / صفتِ تفضیلی (comparative adjective).
 صرضم‌وا: صرفِ ضمیرواره (pronominally declined).

صص: از صفحه... تا صفحه...

صف: صفت (adjective).

ص فع: صفتِ فعلی (verbal adjective).

ص گذتق: صفتِ گذشتهٔ نقلی (perfect participle).

ص مو: صفتِ موصولی / صفتِ نسبی (relative adjective).

صنا: صرف‌ناشدنی / تصریف‌ناپذیر (indeclinable/non-inflected/periphrastic).

ص ین: صفتِ برترین / صفتِ عالی (superlative adjective).

ضم: ضمیر (pronoun).

ضم اش: ضمیر اشاره (demonstrative pronoun).

ضم پر: ضمیر پرسشی (interrogative pronoun).

ضم شخ: ضمیر شخصی (personal pronoun).

ضم مو: ضمیر موصولی (relative pronoun).

ضم نامع: ضمیر نامعین / نکره (indefinite pronoun).

عر: عربی (زبان...).

فا: فاعلی / در حالت فاعل (subjective).

فابا: فارسی باستان (فارسی روزگارِ هخامنشیان).

فام: فارسی میانه (زبان پهلوی / زبان پارسیک).

فان: فارسی نو (زبان فارسی دری).

فر: فرگرد (بخش / فصل در وندیداد).

فرور: فروردین‌یشت (یشت سیزدهم).

فع: فعل (verb).

فع اس: فعل اسم‌واره / اسمی (nominal verb).

فع رب: فعل ربط / فعلی ربطی (copula/copula verb).

ق: قید (adverb).

کر: کرده (بخش / فصل در ویسپرد).

گنو: گئوش یشت / دزوا سپ یشت (یشتِ نهم).
 گا: گاهان (سرودهای پنجگانه زرتشت).
 گانی: گاهانی (زبان... / سرودهای...).
 گپ: گزارشِ پهلویِ گاهان و اوستایِ نو
 گد: گزارشِ داعی الاسلام از وندیداد.
 گدرو: گذشته دَرُونِ رَو / دَرُونِ شَو (ingressive aorist).
 گدز: گذرا / کُئِشِ وَر / فَعَال (active).
 گذیع: گذشته بعید (plusquamperfect/pluperfect).
 گذش: فعل گذشته / فعل گذشته استمراری (preterite).
 گذش نا: فعل گذشته نامُعین (aorist).
 گزا: گزاره / مُسَنَد / خبر (predicate).
 گسا: گذشته ساده (مطلق) / گذشته نامُعین / ریشه گذشته (simple aorist).
 گف: گُفْتَا وَرَد (نقل قول)

لا: لاتین (خط / زبان).

لد: لغت نامه دهخدا.

م: مترجم.

ما: متن اوستایی (متن هریک از بخش‌های اوستایِ پَسین / اوستایِ جَزُ گاهانی).

ماد: مادین (مؤنث).

ماتیکان یوشت: ماتیکان یوشتِ فریان (↓ کتاب شناخت).

مپ: متن پهلوی.

مج: مجهول (passive).

مص: مصدر / حالتِ مصدری / اسمِ مصدر (infinitive).

مص اس: مصدرِ اسمی (denominative).

مص برا: مصدرِ برایی (dative infinitive).

مص یا: مصدرِ پایانی (final infinitive).

مص در: مصدرِ دری (locative infinitive).

- مص را: مصدرِ رایبی (accusative infinitive).
- مص‌گزا: مصدرِ گزاره‌ای / اسنادی / خبری (predicative infinitive).
- مط مطلق / قطعی (absolutive/absolutivum).
- مف: مفعول (object).
- مفعو: [حالتِ] مفعولی (objective).
- منف: منفی (negative).
- موص: موصولی / ضمیرِ موصولی (relative).
- موص اس: موصولی اسمی (substantive relative).
- مهر: مهرِ یشت / میثَره یشت (یشتِ دهم).
- میا: [واکه] میانی / میانه [نواخت، زیر و بمی] (middle).
- مینو: مینوی خرد (مپ، گزارش احمد تفضلی، ↓ کتاب‌شناخت).
- ناق: [وجه] ناقص / [وجه] غیر تامّ (imperfect).
- ناگ: ناگذرا / [فعل] لازم (inchoative).
- نت: تَنار / خُنثا (neuter).
- ندا: [حالت] ندایی / [حالت] آبی (vocative).
- نر: نَرین / مُدکَر (masculine).
- نق: [وجه] نقلی / [وجه] گذشته نقلی / کامل (perfect/perfective verb).
- نگا: نگاشت / چگونگی نگارش / واژه / ترکیب / عبارت در متن (writing).
- نهاد: فاعل / مبتدا / مُسندُ آیه (subject).
- نهادی: [حالت] نهادی / [حالت] فاعلی (nominative).
- نیا: نیایش (نیایش‌های پنجگانه در خُرده‌اوستا).
- نیر: نیرنگستان (متن اوستایی و گزارش پهلوی آن).
- واب: وابسته به... (depending upon...).
- واژه: واژگانی (واژه به واژه / از دیدگاه معنی / واژه یا واژه‌ها).
- واژه‌مینو: واژه‌نامه مینوی خرد (↓ کتاب‌شناخت، تفضلی).
- واژه: واژه‌نامه.

و پ: ... و پس از آن (... و آنچه پس از آن آمده است).

و ج گذ: وجه گذشته استمراری / تأکیدی (injunctive).

و ص: [وجه] وصفی (participle).

و ص حا: [وجه] وصفی حال (present participle).

و ص گذ: [وجه] وصفی گذشته (past participle).

و ص گزا: [وجه] وصفی گزاره‌ای (predicative participle).

و ص حج: [وجه] وصفی مجهول / اسم مفعول (passive participle).

و ند: وندیداد (وی دئوداته).

و هرو: و هرو و ارننگ (↓ کتاب شناخت، مارکوارت).

و یس: و یسپرد / و یسپرتو.

هاد: هادخت نَشک (متن او).

هما: همانند ساز / همسان ساز / همانند سازی / همسان سازی (identifier/identification).

همان: همان جا / همان خاستگاه (خاستگاهی که بی فاصله بدان بازبرد داده شده).

هم بخ: همین بخش / بخش کنونی.

هم جف: هم بسته / هم کرد جفتی (copulative/dvandva/dvandva-compound).

هم دف: همین دفتر (همین کتاب / کتاب کنونی).

هم یاد: همین یادداشت‌ها.

هتومه: هتومه یشت (= یسنه، هات نهم).

یاد: یادداشت / یادداشت‌ها.

یس: یسنه / یسنه‌ها.

یش: یشت / یشت‌ها.

یک: ضمیر یکم شخص / ضمیر اول شخص.

یگا: یگانه / مفرد (singular).

یو: یونانی (زبان...).

یوشت: یوشت فریان و مرزبان نامه (پژوهش دکتر محمد معین).

AE.: Reichelt (Hans), Awestisches Elementarbuch.

An.: Anabasis (Xénophon's book)

Bar., AirVb.: Bartholomae (Christian), Altiranisches Verbum.

Bar., G.: Bartholomae (Christian), Gâthâ-Übersetzung

Bar., [Air]Wb./Wb.: Bartholomae (Christian), Wörterbuch

cf.: compare

Dar., Étlr.: Darmesteter (James), Études Iraniennes

Dar., Z.A. : Darmesteter (James), Zend Avesta

ed.: edited

E.I.: ENCYCLOPAEDIA IRANICA, Edited By Ehsan Yarshater

Gel.: Geldner

GrPh.: Grundriss der Iranischen Philologie

GOIK.: Geiger, Ostiranische Kultur

Hüb.: Hübschmann

ib.(=ibid): in the same place

IF.: Indogermanische Forschungen

Jack., Per. P. & P.: Jackson (A.V.W.), Persia Past & Present

Jack., Zor.: Jackson (A.V.W.), Zoroaster

KZ.: Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung

Nöl. GrPh.: Nöldeke, Grundriss der Iranischen Philologie

op.cit.: in the work cited

ORV.: Oldenberg, Religion des Veda

p.: page

Pañc.: Pañcatantra

Pers. Stud.: Persischen Studien

pp.: from p. ... to p. ...

ŚB.: Śatapatha Brāhmana

S.B.E.: The Sacred Books of the East

seq.: following

vol.: volume

vols.: volumes

Wb.: Wörterbuch

West, GlrPh.: West, Grundriss der Iranischen Philologie

Win.: Windischmann

Xen.: Xénophan

Z.A.: J.Darmesteter, Zend Avesta

ZDMG.: Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft

- + : بهترین و رساترین دست‌نوشت‌های گاهانی و اوستایی.
++ : واژه‌ها و عبارات‌های تباہ‌شده در دست‌نوشت‌های گاهانی و اوستایی.
← : نگاه کنید به... (در خاستگاه‌های بیرون از این دفتر).
↑ : نگاه کنید به... (در کاربردهای پیش از این آمده در همین دفتر).
↓ : نگاه کنید به... (در کاربردهای پس از این آمده در همین دفتر).
/ : یا (در میان دو واژه یا دو ترکیب همتا و همتراز).
/ : نشانه فاصله در میان دو نیمه یک بیت.

[] : در دو سوی واژه یا ترکیب یا عبارتی که پژوهنده یا مترجم برای روشن‌گری بر متن افزوده است.

○ : همخوانی دارد با.../همخوان است با...

// : همانند با.../همتای...

≠ : ناهمخوان با.../در تقابلی با.../ضد... (in contradistinction).

> : با رویکرد به ریشه...

< : با رویکرد به ریشه...

■ : به جای.../جایگزین...

⇔ : به مفهوم.../به همان معنی...

«» : با همان حالت.../در همان حالت...

«» : با گذار به صرف... (with transition to the... declension).

● : درآمد (entry).

↓ : دنباله در سطر بعد (در پایان سطرهای از چپ نوشته ناتمام می‌آید).

* : آغاز درآمدها در واژه‌نامه.

+ : با/همراه با (در یادداشت‌ها و واژه‌نامه).

¶ : برای.../ویژه...

§ : نگاشتِ نادرست به جای...

♀ : تباه‌شده/مخدوش/نادرست (corrupt).

~ : ناروشن/مبهم/مورد تردید (obscure/not clear/doubtful).

سراغاز

آنچه در این دفتر می‌خوانید، بخش‌هایی از مجموعهٔ برجاماندهٔ نام‌بردار به اوستا را دربرمی‌گیرد که برای زبان‌شناسان و تاریخ‌نگاران اهمیت بسیار دارد. متن‌های آورده در این پژوهش، بر پایهٔ درونمایه‌های آن‌ها گروه‌بندی شده و در هر گروه، متن‌های آسان‌تر پیش‌تر آمده‌اند. همهٔ متن‌ها — بجز هَدْخْتِ نَسْک و نیرنگستان — برابر با ویرایشِ گِلْدُنِر است. دیگرگونی‌های این ویرایش، همواره بر بنیادِ بهترین دست‌نوشته‌ها جای دارد. این دست‌نوشته‌ها با نشانهٔ ⁺ و واژه‌ها یا عبارت‌های تباه‌شده در آن‌ها با نشانهٔ ⁺⁺ نمایان شده‌اند.

یادداشت‌ها و روشنگری‌ها بر این پایه طرح‌ریزی شده‌است که خواننده را تا جایی که متن‌ها را به‌درستی دریابد، با آن‌ها آشنا کند و راه و رسم گزارش آن‌ها را بدو بیاموزد. بنا بر این، نه تنها خواننده را به رویکرد به همهٔ ویژگی‌های زبان و از همه برتر ساختار جمله فرا می‌خواند؛ بلکه او را به گسترهٔ تمام پرسش‌های تاریخ تمدن و دین — که برای دریافت کامل متن‌ها اهمیت دارد — رهنمون می‌شود.

در فرایند این پژوهش، بارها فرصت را غنیمت شمرده و یادداشت‌ها و روشنگری‌هایم را به اثر نخستین خود Awestisches Elementarbuch (کتاب پایهٔ اوستا پژوهی) بازگرد داده‌ام تا خواننده بتواند آگاهی بیش‌تری در هر زمینه به دست آورد. برای این بازبردها، کوته‌نوشتهٔ AE را به‌کار برده‌ام.

بخش واژه‌نامه چندان گسترده نیست و تنها آن واژه‌های هندی [(سنسکریت)] را دربر می‌گیرد که بی‌گمان با واژه‌هایی در گاهان و اوستا این‌همانی دارند. این کار رهنمودی است به دریافت آسان‌تر شکل و معنی واژه‌های اوستایی.

نام‌نما بدین منظور بر کتاب افزوده شده است که پژوهنده را در به‌کارگیری ماده‌های آمده در یادداشت‌ها — تا آن جا که با تاریخ تمدن و دین پیوستگی دارد — یاور می‌کند. بر این

پایه، تعریف‌های کوتاه و فشرده‌ای به دست داده شده که در زیر کلیدواژه‌های در خور آمده است.^۱

رهنمودها و روش‌های برگزیده در سامان‌بخشی به متن‌های برگزیده گاهانی و اوستایی در این دفتر، به شرح زیر است:

۱. سراسر متن‌ها به شکل آمده در کهن‌ترین دست‌نوشته‌های یافتنی عرضه شده است. از این رو، متن‌ها با تمام ویژگی‌ها و نادرستی‌های خط‌نگاری و اصل‌های دستوری و ساختاری جمله‌ها به گونه‌ای که در آن دست‌نوشته‌ها هست، آمده و تنها متنِ نیرنگستان — یعنی تباه‌شده‌ترین متن — در جاهایی درست‌نویسی شده است.

۲. این ویژگی‌ها و نادرستی‌ها بنا بر اصل‌های دستوری که برآیندی است از خودِ دو گویش زبان اوستایی و تأیید کاربردهای افزوده‌ای از این اصل‌ها بر بنیاد زبان‌های هندی و دیگر زبان‌های هند و اروپایی، برشمرده شده است.

۳. اندازه کهن‌بودگی هر یک از متن‌ها از راه [شناخت چگونگی] زبان و درون‌مایه آن برآورد شده و تعیین عمر متن‌ها به وسیله زبان و با اشاره به شکل‌های غریب و نادرست، صورت پذیرفته است. درونمایه متن‌ها، تنها در جاهایی اهمیت دارد که آشکارا ثابت شود تباه‌شدگی زبان یک متن، برآیند دستکاری‌های ناروا در آن است.

۴. هر ترجمه دستوری رهنمودی است به بنیادی برای گزارش دینی و گزارش دینی همه جا از دیدگاه پرستانان (موبدان و هیژبدان) نگریسته می‌شود که باید آنان را فراهم‌آوردگان متن‌ها شمرد. این روشی است بایسته؛ چرا که سراسر متن‌ها دارای سرشتی دینی‌اند یا — دست کم — پیوندگونه‌ای با دین دارند.

یافتن سنجۀ داوری در باره هر یک از دیدگاه‌های ویژه پرستانان، بستگی به مرحله‌ای دارد که دین در فرآیند دگردیسی از سرودها و آموزش‌های ساده زرتشت به شکل گرای پیچیده دوره پسین خود، بدان رسیده بوده است.

۵. عنصرهای آغازین و پسین در آموزش‌های زرتشت، از راه حذف عنصرهای کهنی از دین یا اسطوره‌های آریایی بازشناخته شده است که زرتشت خود، آن‌ها را نگاه داشته بوده یا پس از روزگار وی، بار دیگر [با رهنمودهای او] درآمیخته است.

۱. برای پرهیز از دوباره‌کاری و افزودن بیهوده حجم کتاب، از ترجمه نام‌نمای توصیفی پژوهنده خودداری ورزیدم؛ زیرا تمام درون‌مایه این نام‌نما در بخش دوم کتاب آمده است و خواننده می‌تواند با رهنمود شماره صفحه‌های برابر هر یک از نام‌ها و کلیدواژه‌ها در نام‌نمای بسامدی — که من بر کتاب افزوده‌ام — جای شرح و توصیف آن‌ها را به آسانی در بخش دوم بیابد. — م.

۶. کوشش شده است که عنصرهای افسانه‌های شهریاران و پهلوانان ایرانی از پوشش دینی آن‌ها جداگردد و — تا آن جا که شدنی باشد — به شکل‌های آغازین خود بازگردانده شود.

پژوهش‌های زبان‌شناختی که جستارهای این دفتر بر پایه آن‌ها جای دارد، کتاب‌های بلندآوازه بارتولومه^۱، گیگر^۲، گلدنر^۳، هوبشمان^۴، جکسن^۵، یوستی^۶ و دیگران است که در زمینه درون‌مایه‌های وابسته به تاریخ تمدن و دین، از سرچشمه‌های ارجمندند و به گونه‌ای بنیادین از آن‌ها بهره‌برداری شده است.

گذشته از بررسی‌های خود من، متن‌های پهلوی و نیز فرهنگ ایران‌خاوری^۷ اثر گیگر، زرتشت نوشته جکسن، دین و دانا^۸ نگارش آلدنبرگ^۹ و جز آن، از این جمله‌اند. به واژه‌نامه^{۱۰} و گزارش‌گاهان^{۱۱} از کارهای بارتولومه، همواره و در هر جا رویکرد داشته و بدان‌ها باز برد داده‌ام. این کتاب‌ها، نه تنها برای دانشجو، بلکه برای استاد نیز بهترین رهنمونند.



این کتاب به گروه‌امینان و گرداندگان بنیادها و انجمن پارسیان [هند] پیشکش شده است. من از این فرصت بهره می‌جویم تا بخش کوچکی از سپاس‌هایی را که بدین بزرگواران دهبش‌وژز بدهکارم، گزارده باشم. دست یاری ایشان به سوی هر کس که نیروی کار خویش را در بررسی و پژوهش‌سندهای اوستایی صرف کند، دراز می‌شود.

باشد که با انتشار این کتاب — که در همه متن‌هایش تصویری راستین و پذیرفتنی از دیگرگونی‌های دین ایشان عرضه می‌دارد و در بررسی‌گاهان، بزرگی و والایی آموزش زرتشت را در نیروی بنیادین و راستی آن باز می‌نماید — شادکام شوند.

به استاد کریستین بارتولومه به گونه‌ای ویژه و به رسم حق‌شناسی و سپاسگزاری برای یاری در درست‌نویسی بخش اوستایی کتاب، وام دارم.

گیسن ۱۲

هانس رایپشلت

- | | | |
|------------------------|-----------------------|--------------|
| 1. Bartholomae | 2. Geiger | 3. Geldner |
| 4. Hübschmann | 5. Jackson | 6. Justi |
| 7. Ostiranische Kultur | 8. Religion des Veda | 9. Oldenberg |
| 10. Wörterbuch | 11. Gāthā Übersetzung | |

۱۲. Giessen: شهری است در باختر آلمان در ناحیه «هسن بالا» بر کرانه رود «لان» که در جنگ جهانی دوم به سختی آسیب دید. - م.

درآمد

متن *اوستا* (فام. *apastāk*) فراهم آورده بخش‌های بازمانده ادب بزرگی است که زرتشت بنیادگذار و پدیدآورنده آن بود. از تاریخ و چگونگی کمال‌یابی این ادب، آگاهی‌های رهنمون و روشنگر زیادی در دست نداریم؛ اما با رویکرد به درون‌مایه پاره‌های هنوز برجا مانده این مجموعه و بر بنیاد سنت پارسیان، می‌توانیم نسبت به یافته‌های زیر، اطمینان کامل داشته باشیم. دریافت «اندرزسرودهای پیوسته»^۱ زرتشت — که در آغاز به سبب آهنگین بودن آن‌ها، به آسانی به یاد می‌ماند — در زمانی کهن، با دشواری روبرو شد. زیرا زرتشت این اندرزها را با این پیش‌فرض سروده بود که شنونده از چگونگی رویدادهای ویژه‌ای که پیش از آن در «اندرزسرودهای ناپیوسته»^۲ وی با ابهام کم‌تری بدان‌ها اشاره رفته بود، آگاه است. بر این پایه، پرستاران خویشکاری گزارش این «اندرزهای پیوسته» را پذیرفتند و در این راه، سخت کوشیدند و از مجموع این تفسیر و تأویل‌ها، کیش [زرتشتی] را بنیاد نهادند.

خط‌های کلی افسانه‌های ورجاوند، گیهان‌شناخت و فرجام‌شناخت یکی پس از دیگری کشیده شد. طرحی کلی از کُنش‌های پرستشی و آیین‌های دینی برای خود پرستاران و برای دین‌پذیرفتگان شکل گرفت. رمزگان‌های نیایش و سرودهای ورجاوند سامان یافت و در یک نیایش‌نامه فراهم آمد. جشن‌های ویژه فراخوانی هر یک از ایزدان، زمینه‌چینی شد. شمار ایزدان پیوسته افزونی می‌گرفت و این از یک سو به سبب جای دادن ایزدان نو در انجمن ایزدان پیشین بود و از سوی دیگر به دلیل بودن ایزدان کهن آریایی همچون هئومه و میثره که ریشه‌های ژرف رویکرد بدان‌ها در باورهای مردم‌پسند، بازدارنده بیرون‌راندگی همیشگی آن‌ها

۱. «اندرزسرودهای پیوسته» برگردان *sermons in verse* است و «پیوسته» را به معنی «منظوم و موزون» از فردوسی وام گرفته‌ام که می‌گوید: «ز گفتار دهقان یکی داستان/پیوندم از گفته باستان». - م.

۲. «اندرزسرودهای ناپیوسته» گزارش *prose sermons* است. - م.

از کیش می‌شد و بازگرداندن آنان به انجمن ایزدان را ناگزیر می‌کرد. برخی از افسانه‌های کهن پهلوانی ایرانیان نیز درهم تنیده با این نیایش‌ها عرضه گردید و سرانجام، فقره‌هایی از درونمایه‌های تاریخی و حقوقی که به پرستش بازبرد داشت، به این متن‌ها افزوده شد. بدین سان، ادب و رجاوندی با دامنه‌ای گسترده پدید آمد که به دلیل ناتوانی پیش‌رس زبان [اوستایی] نیازمند بازنگری بود.

بر پایه داده‌های سنت، تا دوران هخامنشیان متن سراسر بازنگریسته و پذیرفته‌ای از اوستا که بیست و یک نَسک^۱ و بر روی هم یکصد بخش را دربر می‌گرفت، برجا مانده بود (← یس. ۱۴:۹، یاد.). این متن، سرانجام در هنگام تازش اسکندر به ایران، از میان رفت. و در آغاز شهریاری ساسانیان — روزگاری که باورمندی به رهنمودهای اوستایی، به کیش ملی ایرانیان تبدیل شد — هیچ ویرایش کاملی از متن اوستا در دست نبود و این حال تا سده سوم میلادی — که نامه کهن دینی مزدپرستان از نو سامان داده شد — ادامه داشت. می‌توان احتمال داد که این سامان بخشی به هنگامی صورت پذیرفت که مجموعه متن‌های ورجاوند باستانی، از دبیره دشوار و نارسای فارسی میانه (پارسیک/پهلوی) به دبیره ساده و رسای اوستایی (دین دبیره) آوانویسی شد. در واقع در ویرایش روزگار ساسانی، همه بیست و یک نَسک اوستا فراهم آمد؛ اما تمام آن‌ها دیرزمانی برجا نماند.

فراهم آورنده دینکرت / دینگرد — که اثری است به زبان پهلوی از سده نهم میلادی — در کتاب‌های هشتم و نهم این مجموعه، گزینه همه نَسک‌های دیرینه را آورده و تصویری از اوستای گسترده را — که تا آن زمان نیز بر جای مانده بوده است — به ما می‌دهد.

اوستای کنونی فراگیر نزدیک به یک چهارم اوستای بزرگ (اوستای روزگار باستان) است که فراهم آورنده دینکرت به ما می‌شناساند. این مجموعه بازمانده، بر پایه درونمایه خود، چهار بخش دارد:

۱. در اوستایی naska به معنی دفتر و کتاب است و در کلیدواژه‌های اوستاشناختی، هریک از بخش‌های بیست و یک گانه اوستای روزگار باستان، یک نَسک خوانده می‌شود. در دوره‌های پسین، گاه این واژه را به مفهوم تمام متن اوستا به کار می‌بردند. شاید ریشه «نَسَخ» و همه ساخت‌های آن در زبان عربی — که در فارسی هم کاربرد دارد و به معنی نوشتن و کتابت است — از همین واژه اوستایی گرفته شده باشد. در باره پیشینه کاربرد «نَسَخ» در زبان عربی و برداشت لازار (Lagarde) از گرفته شده بودن احتمالی آن از نَسک اوستایی ← آرتور جفری: واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران - ۱۳۷۲، صص ۳۹۹ - ۴۰۱ - م.

۱. گاهان، [سرودها و] اندرزهای پیوسته زرتشت.
۲. یسنه‌ها و جز آن، نبایش سرودهایی برای نبایش آیین‌های ویژه دینی.
۳. یشت‌ها، ستایش سرودهای ویژه به یاری فراخواندن هر یک از ایزدان و مینویان و رجاوند.
۴. وی دئوه داته / وندیداد، داد دیوستیز / دادنامه.

